

ارزشیابی مؤلفه‌های اصلاح الگوهای مصرف و تولید در کتاب‌های درسی پایه‌های ششم و هفتم

نویسنده: عبدالله انصاری^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۱۷

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۶/۱۰

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال هفدهم، شماره ۶۳، تابستان ۱۳۹۳

چکیده

این پژوهش با هدف ارزشیابی چگونگی بازتاب آسیب‌های مربوط به الگوهای مصرف و تولید در کتاب‌های درسی برگزیده پایه‌های ششم و هفتم انجام شده است. فهرست آسیب‌ها با مراجعه به منابع موجود انتخاب شدند. روش تحقیق، تحلیل محتوا و شیوه تحلیل داده‌ها آنتروپی شانون و سنجش فراوانی است. جامعه آماری، کتاب‌های درسی منتخب پایه‌های ششم و هفتم دوره آموزش عمومی بود که تمام جامعه آماری بررسی شد. ابزار پژوهش نمونه برگ تحلیل محتواست که روایی آن از طریق تحلیل محتوا و پایایی آن بر اساس الگوی پایایی اسکات برابر با ۰/۸۵ برآورد شد. یافته‌ها نشان دادند که در کتاب‌های درسی پایه‌های ششم و هفتم از مجموع هفت مؤلفه «آسیب‌های الگوی مصرف»، تنها به سه مؤلفه «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید»، «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» و «رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی» اشاره شده است. از ظرفیت کتاب‌های هدیه‌های آسمانی، فارسی، تفکر و پژوهش و کار و فناوری برای بازتاب مطالب مرتبط با موضوع اصلاح الگوی مصرف استفاده نشده است. در بخش آسیب‌های الگوهای تولید نیز از هفت کتاب پایه ششم تنها به مؤلفه «بهره‌وری پایین» و در پایه هفتم، به مؤلفه «بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید» در قالب یک پرسش، اشاره شده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در قالب کتاب‌های درسی منتخب، متون مرتبط با «آسیب‌های الگوی مصرف و تولید»، سازگاری اندکی با محتوای کتاب‌های درسی منتخب دارند.

واژگان کلیدی:

الگوی مصرف، الگوی تولید، کتاب درسی، اقتصاد مقاومتی، توسعه کشور



مقدمه

اهمیت الگوهای مصرف و تولید در توسعه کشور بر کسی پوشیده نیست. نزدیک به پنج سال از نامگذاری سال ۱۳۸۸ از سوی مقام معظم رهبری به عنوان سال اصلاح الگوی مصرف می‌گذرد و طی این مدت، به تناسب شرایط و موقعیت‌ها بارها بر اهمیت موضوع تأکید شده که آخرین آن، ابلاغ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی است.

الگو، شیوه خاصی از عمل و عکس‌العمل انسان در اقتضاهای گوناگون را بیان می‌کند (محمد رضایی، ۱۳۸۸) و الگوی مصرف عبارت است از رفتار افراد، خانوارها یا کل جامعه در انتخاب، خرید و مصرف کالاها و خدمات که نماد آن سبب مصرفی روزانه، هفتگی، ماهانه و سالانه هر سامانه از قبیل فرد، خانوار، بنگاه، دولت و ملت است (ملک محمدی نوری، ۱۳۸۱).

اصلاح الگوی مصرف به مفهوم تغییر مطلوب در سطح و میزان تقاضا برای انواع کالاها و خدمات مصرفی، ترکیب و چگونگی مصرف آنهاست (موسائی، ۱۳۸۸: ۱۲۷) و از طریق عوامل مؤثر بر تقاضا امکان می‌یابد. عوامل تعیین‌کننده تقاضا عبارتند از: قیمت، درآمد، قیمت کالاها، ارتباط، انتظارات و سلیقه. بدیهی‌ترین عامل تعیین‌کننده تقاضا سلیقه است و عناصر تشکیل‌دهنده سلیقه به نیروهای تاریخی، روانشناسی و فرهنگی بستگی دارند که از قلمرو موضوعی اقتصاد خارج است اما اقتصاددانان آثار ناشی از تغییر در تقاضا را بررسی می‌کنند (منکیو، ۱۳۸۷: ۷۶-۷۴). البته گروهی در چارچوب اندیشه اقتصادی، مصرف را متأثر از فرهنگ می‌دانند و با اشاره به نظریه دوزنبری عنوان می‌کنند که مصرف، نوعی رفتار پایدار است که با تغییر متغیرهای صرف اقتصادی تغییر نمی‌کند و به فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای شکل گرفته جامعه بستگی دارد (موسائی، ۱۳۸۸: ۱۳۲)؛ بنابراین اعمال تغییر در الگوی مصرف با سیاست‌گذاری صرف اقتصادی، کامیابی این گونه سیاست‌ها را با مشکل روبه‌رو کرده است (همان: ۱۳۴).

رفتار مصرف‌کننده علاوه بر متغیرهای قیمتی و درآمدی از مجموعه باورها، سنت‌ها، اندیشه‌ها، آداب و رسوم، هنجارها و عادات مصرفی جامعه تأثیر می‌پذیرد؛ بنابراین به منظور توسعه رفتارهای مطلوب در جامعه، عادات مصرفی باید دگرگون شوند. یکی از راه‌هایی که برای دستیابی به این هدف به کار گرفته می‌شود، توسعه دانش مصرفی و آموزش نحوه مصرف به اقشار مختلف جامعه است.

کمبود دانش مصرفی می‌تواند از توفیق سیاست‌های معطوف به اصلاح الگوی مصرف ممانعت کند. افراد ممکن است در چنبره شناخت غلط از میزان مصرف خود، گرفتار شوند و به طور مثال اهمیت انرژی قابل مشاهده مانند نور لامپ الکتریکی را



اضافه و استفاده از انرژی غیر قابل مشاهده مثل آب یا گرم کردن محیط را کمتر برآورد کنند. تحقیقات نشان می‌دهند که توسعه نسبتاً کند فناوری انرژی‌های تجدیدپذیر در امریکا مانند خورشید و باد، بیشتر ناشی از ترکیب موانع اجتماعی و آموزشی شامل عدم دسترسی عمومی کافی به اطلاعات مناسب، بی‌علاقگی عمومی و فهم نادرست از هزینه‌های غیرمستقیم مرتبط با انرژی سوخت‌های فسیلی و عوامل روان‌شناختی، مانند گرایش عمومی به مقاومت در برابر تغییر رفتار است (ساواکل، ۲۰۰۹).

برای عبور از موانع یادشده، برنامه‌های آموزش مصرف‌کننده تلاش می‌کنند تا سطح سواد مصرفی را ارتقا دهند؛ برای نمونه آموزش مصرف در یونان به عنوان پایه‌ای برای تکوین فهم تدریجی صرفه‌جویی در مصرف، نگرش‌ها و رفتار کارا در جامعه در نظر گرفته می‌شود (زوغرافاکیس، ۲۰۰۹) و در برزیل آموزش انرژی به عنوان سرمایه‌گذاری طولانی‌مدت و کم هزینه، رتبه نخست را در میان ۱۲ برنامه صرفه‌جویی انرژی دارد (دایاس، ۲۰۰۴).^۱ سواد مصرفی^۲ دارای مفهومی فراتر از محتوای دانش و در ابعاد سه‌گانه شناختی (دانش)، عاطفی (گرایش‌ها، باورها و ارزش‌ها) و رفتاری تعریف شده است. ایجاد و توسعه سواد مصرفی و تثبیت مؤلفه‌های رفتار مصرفی مطلوب و تلاش برای اصلاح جنبه‌های نامطلوب آن، از وظایف اصلی نهاد آموزش عمومی است. نقش اساسی به عهده برنامه درسی است که شامل اهداف، محتوا، روش‌ها و ارزشیابی می‌شود. محتوای برنامه درسی، همان موضوعات درسی است که به عنوان وسیله‌ای برای رسیدن به اهداف استفاده می‌شود (اوبری،^۳ ۱۹۹۱) و می‌توان از آن به عنوان ابزاری برای یادگیری، توسعه ارزش‌ها و آموزه‌های فرهنگی، مانند فرهنگ صحیح تولید و مصرف بهره گرفت. تقریباً از پایان قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ کتاب‌های درسی در راستای موقعیت‌های اقتصادی و تقویت واکنش‌های اجتماعی تغییر کرده‌اند (آلتباخ،^۴ ۱۹۹۵). کتاب‌های درسی به عنوان رسانه‌ای پردوام، معمول‌ترین و اصلی‌ترین ابزار در نظام‌های آموزشی متمرکز جهان و به‌ویژه نظام آموزشی ایران هستند که می‌توانند برای انتقال اصول و مفاهیم، اندیشه‌ها و تصویرسازی ذهنی مرتبط با چگونگی مصرف مطلوب و توسعه دانش مصرف از مسیر یادگیری اجتماعی کودکان، نوجوانان و جوانان به کار گرفته شوند.

اگرچه دانش مصرفی در ایران به عنوان یک موضوع خاص و مستقل تدریس نمی‌شود اما مفاهیم و عناصر دانش مرتبط با مصرف در لابه‌لای برنامه درسی و در

1- Zografakis, N., et al, 2008.

2- Dias et al, 2004,

3- Consumption literacy

4- Obery

5- Altbach



تمامی سطوح آموزش مدرسه‌ای، همانند فعالیت‌ها، برنامه‌ها یا طرح‌های بیرون از برنامه درسی و محیط خارج از مدرسه وجود دارد.

از سوی دیگر، در سال‌های اخیر تلاش‌های فراوانی برای تبیین چگونگی اصلاح الگوی مصرف انجام شده است تا ابعاد مختلف وضعیت مصرف در ایران تشریح و آسیب‌شناسی شود. برخی یافته‌ها دلالت بر این نکته داشتند که درک عمومی و مشترکی که در مورد ضرورت اصلاح الگوی مصرف در ایران میان نخبگان و عموم جامعه وجود دارد، گرداگرد مفاهیم متفاوتی شکل گرفته و تلاش‌های پژوهشی انجام شده، کمتر متکی به شواهد و مستندات مشخص و مبتنی بر پایه نظری معینی بوده‌اند (کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹: ۶). برای نمونه برخی سطح مصرف زیاده از حد خانوارها در ایران، ترکیب نامناسب کالاها و خدمات مصرفی، مصرف‌گرایی و چشم و هم‌چشمی در مصرف، اسراف، اتلاف و تبذیر، کارایی اندک و اثربخشی محدود در رفتار مصرفی دولت و کمیت و کیفیت مصرف منابع و سرمایه‌های جامعه را آسیب‌های اصلی رفتار مصرفی ایرانیان می‌دانند.

بررسی اولیه ادعاهای مذکور با شواهد و مستندات موجود، به تدوین فهرستی از آسیب‌های مبتلابه الگوهای مصرف و تولید در کشور منجر شد که عبارتند از:

۱. روند مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید: در دوره (۱۳۸۶-۱۳۵۳) متوسط رشد

هزینه‌های مصرفی خصوصی ۱,۹ درصد و در کل دوره پس از انقلاب، یک درصد بیش از متوسط رشد تولید بوده است؛ بنابراین، این اندیشه که خانوارهای ایرانی، با رشدی بیش از رشد تولید افزایش مصرف می‌دهند و در سطح کلان اقتصادی نیز بی‌تناسبی رشد مصرف خانوار با تولید و رشد مصرف کل با رشد تولید در چهار دهه اخیر تأیید می‌شود.

۲. مصرف همراه با اتلاف و اسراف: درصد بالای ضایعات نان، وجود حجم قابل

ملاحظه‌ای از داروهای بدون استفاده در خانه‌ها، درصد بالای ضایعات مواد غذایی و... نمونه شواهدی هستند که نشان از وجود ویژگی یادشده دارند.

۳. مصرف ناعادلانه: وضعیت مصرف در کشور عادلانه (دارای عدالت درون نسلی)

نیست. متوسط هزینه‌های خانوارهای شش دهک پایینی مناطق شهری به اندازه یک دهک بالایی است. همچنین بالا بودن ضریب جینی (حدود ۰,۴) و مصرف ۱۵ برابری دهک بالایی نسبت به دهک پایینی (در مناطق شهری ایران) شواهدی جدی از ناعادلانه بودن توزیع هزینه‌های مصرفی بین خانوارهای ایرانی

است (کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹: ۱۸)

۴. اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید: فرایند تولید در کشور، منابع طبیعی را تلف

(تولید اندک در برابر منابع مصرف شده که برای نمونه به شاخص‌های شدت



انرژی یا اتلاف انرژی یا هزروزی آب می‌توان توجه کرد) و زباله و آلاینده ایجاد می‌کند (حجم زباله تولیدی و نحوه مواجهه با آن، گسترش صنایع آلاینده: فولاد و پتروشیمی و...).

۵. بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب: شواهد موجود در مورد درصد بالای اتلاف انرژی در فرایند تولید، توزیع و نیز مصرف آن، بهره‌وری نازل عوامل تولید در سطوح بنگاهی و بخشی... بر سطح پایین کارایی و اثربخشی تولید و توزیع کالاها و خدمات در ایران گواهی می‌دهد.

۶. رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی: تداوم تراز منفی و روبه رشد حساب جاری غیرنفتی و فزونی رشد مصرف خصوصی و کل بر رشد تولید در بلندمدت به واسطه برخورداری از ذخایر تجدیدناپذیر و بین‌نسلی هیدروکربوری امکان‌پذیر شده است و ویژگی عدالت بین نسلی را ندارد.

۷. اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی: گزارش‌های متعدد حکایت از آن دارند که همه ساله اجرای تعدادی از پروژه‌های مصوب متوقف بوده یا هنوز آغاز نشده و همواره درصد بالایی از پروژه‌ها از برنامه زمانی عقب مانده بوده‌اند؛ بنابراین کارایی و اثربخشی طرح‌های عمرانی در معرض تردید جدی قرار دارد.

فرایند مشابه در حوزه الگوی تولید نیز تکرار و با بررسی چالش‌های عنوان شده به همراه کنکاش در اطلاعات و آمار، به تدوین فهرست آسیب‌های الگوی تولید در ایران منجر شده است که عبارت بودند از:

- ۱- سطح نسبتاً پایین رشد تولید
 - ۲- پرنوسانی رشد تولید
 - ۳- بهره‌وری پایین
 - ۴- فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید
 - ۵- وابستگی تولید به واردات
 - ۶- بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید
 - ۷- وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز
 - ۸- فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی شدن تراز پرداخت‌های غیرنفتی
 - ۹- قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات (کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، ۱۳۸۹: ۱۶)
- با مرور اجمالی مطالعات مرتبط مشخص می‌شود که با وجود اهمیت موضوع، پژوهش‌های انجام شده کم‌شمار هستند.



کشور را تحلیل کرده و دریافته است که سهم مطالب مربوط به موضوع آب نزدیک به دو درصد و مطالب مربوط به کمیابی، دشواری تأمین آب سالم و روش‌های مصرف بهینه آب در کمتر کتاب درسی مورد توجه قرار گرفته است. از مجموع یازده هزار صفحه کتاب‌های مورد بررسی، در کمتر از نیم صفحه و تنها در دو کتاب به لزوم صرفه‌جویی و مصرف بهینه آب اشاره شده است (افخمی، ۱۳۸۹: ۱۴).

قلی‌پور (۱۳۸۹) در سال ۱۳۸۴ چگونگی پرداختن به استفاده بهینه از گندم و نان را در کتاب‌های درسی دوره دبستان و راهنمایی مطالعه کرده است. نتایج نشان دادند که به ترتیب ۳۵/۴ و ۳/۱ درصد از مفاهیم مرتبط با موضوع دارای موضع‌گیری مثبت بوده است. از جنبه محتوایی جهت‌گیری این مفاهیم نسبت به مسئله آموزش الگوی صحیح مصرف، تغییر در رفتارهای مصرفی، توجه به ضایعات، فرهنگ‌سازی یا رعایت هرگونه استاندارد، اغلب خنثی بوده است (قلی‌پور، ۱۳۸۹: ۷۸).

ربیعی و محبی امینی محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی را از نظر پرداختن و توجه به مؤلفه‌های نه‌گانه الگوی مصرف بررسی کردند. یافته‌ها نشان دادند که بیشترین فراوانی مؤلفه‌های الگوی مصرف مربوط به مؤلفه آب، کتاب علوم تجربی و پایه پنجم و کمترین مربوط به مؤلفه البسه، کتاب مدنی و پایه‌های اول و سوم است (ربیعی و محبی امینی، ۱۳۸۸: ۱۱۴).

دی واترز و پاورز (۲۰۰۷) تلاش کردند تا سطح سواد انرژی دانش‌آموزان دوره راهنمایی در ایالت نیویورک (امریکا) را مطالعه کنند. به باور ایشان، کاستی اطلاعات می‌تواند بزرگ‌ترین چالش ملی برای حل بحران انرژی باشد. این تحقیق در پی شناخت عملکرد دانش‌آموزان در حوزه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری، زمینه‌های ویژه‌ای که دانش‌آموزان در آنها ناکارایی دارند، رابطه میان نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای مرتبط با انرژی دانش‌آموزان بود. هدف مطالعه آن بود که پس از انطباق یافته‌ها با مواد برنامه درسی مدارس، اطلاعات لازم برای تدوین مواد و برنامه آموزشی مرتبط با مصرف انرژی فراهم شود.

ابزار تحقیق موضوعات اصلی، شامل مفاهیم دانش پایه انرژی و شهروندی که برای زندگی روزمره ضرورت دارند، مانند صرفه‌جویی انرژی، اشکال انرژی، تحلیل انتقادی در زمینه منابع تجدیدناپذیر، آثار زیست‌محیطی و مسائل اجتماعی مرتبط با انرژی را در بر گرفتند. نتایج تحقیق نشان دادند که سطح سواد انرژی به ویژه در زمینه مسائل شناختی به گونه نامیدکننده‌ای پایین است. همچنین با وجود افزایش سطح دانش و مهارت‌ها، وضعیت رفتارهای مربوط به مصرف صیانتی از انرژی نامطلوب است. وجود همبستگی بالا میان نگرش‌ها و گرایش‌ها با رفتارهای مرتبط با مصرف انرژی در برابر



همبستگی پایین میان جنبه‌های رفتاری و شناختی، نشان می‌دهد که برنامه آموزشی مؤثر نه تنها باید توسعه دانش را هدف گذاری کند بلکه باید تلاش نماید تا بر دیدگاه‌ها، باورها و ارزش‌ها تأثیر بگذارد (دی واترز و یاورز، ۲۰۰۷).

تحلیل مطالعات انجام شده در داخل کشور نشان می‌دهد که شمار پژوهش‌های مرتبط با موضوع الگوهای مصرف و تولید در کتاب‌های درسی اندک بوده و به ویژه برای کتاب‌های درسی جدید تحقیقی انجام نشده است. کاستی مهم دیگر به نبود پشتوانه پژوهشی برای استخراج مؤلفه‌ها باز می‌گردد.

همان طور که اشاره شد، آموزش و پرورش به عنوان یک سازمان رسمی، وظیفه آماده کردن نسل جدید را برای جامعه امروز بر عهده دارد و برنامه درسی ابزاری برای اصلاح ارزش‌های جامعه، رفتارها و واکنش‌های اجتماعی در شرایط تغییر موقعیت‌ها و به ویژه شرایط اقتصادی (مانند تشدید تحریم‌ها و کاهش درآمد نفت و ...) محسوب می‌شود.

البته پیش از هر نوع برنامه‌ریزی، اطلاعات وسیع و کاملی از وضعیت فعلی محتوای کتاب‌های درسی مورد نیاز است تا بتوان اقدامات آتی را بر اساس موقعیت کنونی برنامه‌ریزی کرد. مدارس در قبال فرهنگ جامعه نقش‌هایی دارند که یکی از مهم‌ترین آنها جامعه‌پذیر ساختن کودکان است. مدارس از طریق برنامه‌های درسی رسمی و غیررسمی یا پنهان، این نقش را ایفا می‌کنند (ادیب، ۱۳۸۲).

با توجه به نکات فوق، این مطالعه بر آن است تا با بهره‌گیری از نتایج پژوهش کمیسیون اصلاح الگوی مصرف دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی، چگونگی بازتاب آسیب‌های الگوهای مصرف و تولید در ایران را در قالب برنامه درسی و از طریق کتاب‌های درسی جدید تألیف پایه‌های ششم و هفتم مطالعه کند.

فرایند تولید برنامه درسی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی طی هشت مرحله شامل پژوهش و نیازسنجی، تولید راهنمای برنامه درسی، اعتباربخشی راهنمای برنامه درسی، تولید برنامه درسی و مواد آموزشی (کتاب دانش‌آموز، راهنمای معلم، کتاب کار و ...)، اعتباربخشی مواد آموزشی، اصلاح نهایی برنامه درسی و مواد آموزشی، اجرای سراسری برنامه درسی و ارزشیابی پایانی از برنامه درسی انجام می‌گیرد (دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی، ۱۳۸۱). ارزشیابی برنامه درسی عبارت از داوری ارزشیابانه درباره فراورده‌های برنامه درسی یا مجموعه‌ای پیچیده از تعامل‌های میان یک برنامه درسی با محیط اجرای آن (آلکین، ۱۳۸۷) است که به دو بخش ارزشیابی محصول برنامه درسی و ارزشیابی برنامه درسی در حین اجرا تقسیم می‌شود.



در این مقاله تلاش می‌شود به پرسش «بازتاب (اندازه توجه به) آسیب‌های الگوهای تولید و مصرف در کتاب‌های درسی ششم و هفتم آموزش عمومی چگونه است؟» پاسخ داده شود.

در این راستا، کارکرد نظام آموزشی کشور در زمینه ارائه آموزه‌های فرهنگی مرتبط با اصلاح الگوی مصرف از مسیر واکاوی بازتاب یا عدم بازتاب آسیب‌های الگوهای مصرف و تولید در کتاب‌های درسی برگزیده پایه‌های ششم و هفتم بررسی خواهد شد. کارکرد یاد شده در امتداد مأموریت نظام آموزش عمومی برای توسعه سرمایه اجتماعی از مسیر تقویت مهارت‌های اجتماعی است. مهارت‌های اجتماعی، رفتارهایی نظیر همکاری، مسئولیت‌پذیری، همدلی، خویشتنداری و خوداتکایی را شامل می‌شوند. مهارت‌های اجتماعی بسیار متنوعند و تقسیم‌بندی واحدی در این زمینه وجود ندارد. مهارت‌های اجتماعی رفتارهای انطباقی فرا گرفته شده‌اند که فرد را قادر می‌سازند از رفتارهایی که پیامدهای منفی دارد، اجتناب ورزند. (کارتلج و میلبرن، ۱۳۷۲).

برای بررسی کتاب‌های درسی، نخست تمامی عباراتی (متن، تصاویر، پرسش‌ها و فعالیت‌ها) که به گونه‌ای بر آسیب‌های یاد شده در گزارش کمیسیون اصلاح الگوی مصرف دلالت داشتند، استخراج و شمارش شد. شایان ذکر است، در این مطالعه فراوانی پیام‌ها بررسی می‌شود که گاه گویای مطالب ویژه‌ای هستند و در نگاه نخست جلب توجه نمی‌کنند اما مخاطب را به‌طور ناخودآگاه تحت تأثیر قرار می‌دهد و مقایسه نسبت فراوانی پیام‌ها با فراوانی پیام‌های دیگر به تولید اطلاعاتی ارزشمند منجر می‌شود.

روش‌شناسی پژوهش

با توجه به موضوع پژوهش که به ارزشیابی مؤلفه‌های اصلاح الگوهای مصرف و تولید در کتاب‌های درسی پایه‌های ششم و هفتم می‌پردازد، از روش تحقیق تحلیل محتوا استفاده شد. تحلیل محتوا روشی پژوهشی است برای توصیف عینی، سیستماتیک و کمی محتوای آشکار پیام. روش «تحلیل محتوا» مرجعی برای طبقه‌بندی علائم رسانه‌ها (جانیس، ۱۹۴۹، به نقل از هولستی: ۱۳) و توصیف عینی، منتظم و کمی رفتارهای نمادی است (کارت رایت، ۱۹۵۳، همان: ۱۳).

شرط کمیت، غالباً هم توسط کسانی که این فن را علمی‌تر از دیگر روش‌های تحلیل اسنادی می‌دانند و هم توسط کسانی که انتقادی‌ترین موضع را نسبت به آن دارند، به یک اندازه ضروری قلمداد شده است. دیدگاه اخیر بر آن است که دلیل واضح و مشخصی



برای به‌کارگیری روش تحلیل محتوا وجود ندارد، مگر اینکه سؤالی که شخص در پی پاسخگویی به آن است، کمی باشد (لاسول، لرنر و پول، ۱۹۵۲ همان: ۱۷). برخی نیز تحلیل محتوا را با بیان عددی مقوله‌ها یکسان دانسته‌اند. از نظر آنها هدف تحلیل محتوا، طبقه‌بندی محتوای پیام‌های ارتباطی در عبارات‌های عددی است که از عبارات‌هایی با قضاوت‌های کم و بیش احساسی دقیق‌تر است (کاپلان و گولدن، ۱۹۴۹، همان: ۱۷).

جامعه آماری این پژوهش عبارت بود از تمامی کتاب‌های درسی پایه‌های ششم و هفتم که مطالعات اجتماعی، علوم تجربی، هدیه‌های آسمانی، فارسی، کار و فناوری، تفکر و پژوهش و فرهنگ و هنر در پایه‌های ششم (شش عنوان) و هفتم (هفت عنوان) را در بر می‌گیرد. کتاب‌های یاد شده به روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. معیار هدفمند انتخاب نمونه‌ها نیز قرابت محتوایی کتاب‌های برگزیده با مؤلفه‌های اصلاح الگوهای مصرف و تولید، سازگاری محتوای کتاب‌های انتخابی با موضوع مطالعه از منظر تناسب سنی دانش‌آموز و تغییر محتوای کتاب‌های مذکور طی دو سال اخیر (بر مبنای رویکرد نوین و اسناد تحول بنیادین و برنامه درسی ملی) بود. واحد تحلیل در این پژوهش صفحه (متن، پرسش‌ها، فعالیت و تصاویر) و واحد ثبت (واحد پایه معنی دار قابل رمزگذاری جزئی از محتوا برای ساخت مؤلفه و شمارش) عبارت (مضمون) و تصاویر می‌باشد. مضمون، پیام خاصی است که از جانب فرستنده پیام مورد توجه است (ساروخانی، ۱۳۷۸: ۳۰۵) و باید در زمینه اصلاح الگوهای مصرف و تولید دارای پیام آموزشی به دانش‌آموزان باشد. ابزار این پژوهش چک لیست تحلیل محتوا بود که روایی آنها از طریق تحلیل محتوای سؤالات و پایایی آنها بر اساس الگوی پایایی اسکات (Pi) برابر با ۰/۸۵ برآورد و برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش نیز از روش آنتروپی شانون^۱ استفاده شد. آنتروپی، شاخصی برای اندازه‌گیری عدم اطمینان است که به وسیله یک تابع توزیع احتمال بیان به صورت زیر نوشته می‌شود:

$$E \approx S\{P_1, P_2, \dots, P_n\} = -k \sum_{i=1}^m [P_i L_n P_i]$$

بر اساس این روش که به مدل جبرانی مشهور است، محتوای کتاب‌های انتخاب شده توسط دو پاسخگو (کتاب‌های ششم و هفتم) در ۷ مؤلفه (آسیب‌های الگوی مصرف) و ۹ مؤلفه (آسیب‌های الگوی تولید) طبقه‌بندی شدند. سپس فراوانی هر یک از مؤلفه‌ها شمارش و در نهایت داده‌های جداول فراوانی بر اساس مراحل زیر تحلیل گردید:



$$p_j = \frac{F_j}{\sum_{i=1}^m F_{ij}} \quad (i = 1, 2, 3, \dots, m; j = 1, 2, \dots, n)$$

رابطه زیر:

مرحله دوم: محاسبه آنتروپی شاخص jj ام یا به بیان دیگر بار اطلاعاتی مقوله jj

$$E_j = -k \sum_{i=1}^m [p_{ij} L_n p_{ij}] \quad (j = 1, 2, \dots, n) \quad K = \frac{1}{L_n m}$$

مرحله سوم: برآورد ضریب اهمیت برای هر یک از موضوعات با استفاده از بار اطلاعاتی مقوله‌ها $(j = 1, 2, \dots, n)$ و فرمول زیر (موضوعات دارای بار اطلاعاتی بیشتر از درجه اهمیت $W_j W_j$ بیشتری برخوردارند).

$$W_j = \frac{E_j}{\sum_{j=1}^n E_j}$$

ضریب اهمیت $(W_j)(W_j)$ شاخصی است که اهمیت هر مقوله jj ام را در یک پیام با توجه به کل پاسخگوها مشخص می‌کند. از طرفی می‌توان با توجه به بردار W ، مقوله‌های حاصل از پیام را نیز رتبه‌بندی کرد (آذر، ۱۳۸۰: ۱۰-۸).

یافته‌های پژوهش

پیش از ارائه نتایج، اشاره به این نکته ضرورت دارد که در این مطالعه برخی عبارات با اینکه مضمون تکراری داشتند، از مضامین بکر تفکیک نشده و لحاظ شده‌اند.

۱- وضعیت آسیب‌های الگوی مصرف در کتاب‌های درسی برگزیده پایه‌های ششم و هفتم:

یافته‌های تحلیل محتوای کتاب‌های درسی پایه‌های ششم و هفتم شامل فراوانی مؤلفه‌ها، اندازه ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت، به ترتیب الگوهای مصرف و تولید ارائه می‌شوند:

جدول ۱- توزیع فراوانی و بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیب‌های الگوی مصرف

اندازه ضریب	کتاب مطالعات اجتماعی			عنوان مؤلفه	
	بار اطلاعاتی	جمع	پایه ششم		
اهمیت			پایه هفتم		
۰	۰	۰	۰	۰	مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید
۰/۳۵۸	۰/۹۹۴	۲۲	۱۰	۱۲	مصرف توأم با اتلاف و اسراف



اندازه ضریب		کتاب مطالعات اجتماعی			عنوان مؤلفه
اهمیت	بار اطلاعاتی	جمع	پایه هفتم	پایه ششم	
۰	۰	۰	۰	۰	مصرف ناعادلانه
۰/۳۱۱	۰/۸۶۳	۷	۵	۲	اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید
۰	۰	۰	۰	۰	بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب
۰/۳۳۰	۰/۹۱۷	۳	۱	۲	رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی
۰	۰	۰	۰	۰	اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی
۰	۲/۷۷۴	۳۲	۱۶	۱۶	جمع

اطلاعات جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که در همگی صفحات کتاب‌های مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم و هفتم بیشترین ضرایب اهمیت برآورد شده به «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» با اندازه ۰/۳۵۸ و کمترین به «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید» اختصاص دارد. البته اندازه ضرایب مؤلفه‌هایی که در کتاب‌های مورد مطالعه به آنها پرداخته نشده، صفر است.

یافته‌های تحلیل کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم و هفتم نشان می‌دهد که به مؤلفه «مصرف توأم با اتلاف و اسراف»، در قالب ۲۲ عبارت پرداخته و به مؤلفه‌های «مصرف با رشدی سریع تر از تولید»، «مصرف ناعادلانه»، «بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب» و «اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی» اشاره نشده است. نکته قابل توجه تفاوت نتایج حاصل از به‌کارگیری دو روش توزیع فراوانی و آنتروپی شانون با یکدیگر می‌باشد (رعایت نشدن مؤلفه «عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی» از جنبه ضریب اهمیت در رتبه دوم اما از لحاظ فراوانی سوم است). به طور کلی، دو دسته عمده از روش‌های مختلف برای پردازش اطلاعات موجود از یک مسئله تحلیل محتوا مطرح شده که یک دسته برگرفته از مدل غیرجبرانی و دیگری از مدل جبرانی است. روش توزیع فراوانی برای تحلیل محتوا از نوع غیرجبرانی است که با توجه به درصد فراوانی‌ها تحلیل می‌شود و به مبادله بین مقوله‌ها از نظر پاسخگو توجهی نمی‌شود و در برابر روش آنتروپی شانون، از نوع جبرانی است که در تحلیل و پردازش اطلاعات هم به پاسخگو و هم به مقوله‌ها توجه دارد (آذر، ۱۳۸۰: ۱۵).



جدول ۲- توزیع فراوانی، بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیب‌های الگوی مصرف

اندازه ضریب		علوم تجربی			مؤلفه
اهمیت	بار اطلاعاتی	جمع	کتاب سال هفتم	کتاب سال ششم	
۰	۰	۰	۰	۰	مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید
۰	۰	۵	۵	۰	مصرف توأم با اتلاف و اسراف
۰	۰	۰	۰	۰	مصرف ناعادلانه
۱	۲/۹۵۷	۱۲	۱	۱۱	اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید
۰	۰	۰	۰	۰	بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب
۰	۰	۱	۱	۰	رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی
۰	۰	۰	۰	۰	اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی
	۲/۹۵۷	۱۸	۷	۱۱	جمع

اطلاعات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که در همگی صفحات کتاب‌های علوم تجربی پایه‌های ششم و هفتم از مجموع ۱۸ عبارت، بیشترین فراوانی و ضریب اهمیت، مربوط به مؤلفه «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید» است. به مؤلفه‌های «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» و «رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی» به ترتیب ۵ و ۱ عبارت اختصاص یافته اما به مؤلفه‌های «مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید»، «مصرف ناعادلانه»، «بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب» و «اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی» اشاره‌ای نشده است.

جدول ۳- توزیع فراوانی، ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت عبارات مرتبط با آسیب‌های الگوی مصرف

اندازه ضریب		هدیه (پیام)‌های آسمانی			مؤلفه
اهمیت	بار اطلاعاتی	جمع	کتاب سال هفتم	کتاب سال ششم	
۰	۰	۰	۰	۰	مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید
۱	۱	۲	۱	۱	مصرف توأم با اتلاف و اسراف
۰	۰	۴	۴	۰	مصرف ناعادلانه
۰	۰	۰	۰	۰	اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید
۰	۰	۰	۰	۰	بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب
۰	۰	۰	۰	۰	رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی



اندازه ضریب		هدیه (پیام) های آسمانی			مؤلفه
اهمیت	بار اطلاعاتی	جمع	کتاب سال هفتم	کتاب سال ششم	
.	اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرح های عمرانی
		۶	۵	۱	جمع

اطلاعات جدول شماره ۳ نشان می دهد که در همگی صفحات کتاب های هدیه (پیام) های آسمانی پایه های ششم^۱ و هفتم^۲، ضریب اهمیت مؤلفه «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» برابر با ۱ و برای دیگر مقوله ها صفر است.

تحلیل کتاب های درسی هدیه های آسمانی نشان داد که مؤلفه «مصرف ناعادلانه» با ۴۲ (تنها در پایه هفتم) و «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» با ۲ فراوانی مشاهده شده است. در کتاب های یادشده به مؤلفه های «مصرف با رشدی سریع تر از تولید»، «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید»، «بهره وری پایین و با رشد نامناسب»، «رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف عمومی» و «اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرح های عمرانی» اشاره ای نشده است.

جدول ۴- توزیع فراوانی و بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیب های الگوی مصرف

اندازه ضریب		تفکر و پژوهش (تفکر و سبک زندگی)			عنوان مؤلفه
اهمیت	بار اطلاعاتی	جمع	کتاب سال هفتم	کتاب سال ششم	
.	مصرف با رشدی سریع تر از تولید
.	.	۱	۱	.	مصرف توأم با اتلاف و اسراف
.	مصرف ناعادلانه
.	اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید
.	بهره وری پایین و با رشد نامناسب
.	رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی
.	اتلاف منابع عمومی در برنامه ریزی و اجرای طرح های عمرانی
.	.	۱	۱	.	جمع

۱. در صفحه ۳۳ و در قالب توصیف رفتار اهل بیت (ع) آمده است که «از اسراف و هدر دادن نعمت ها بیزار بودند».
۲. خطبه سوم نهج البلاغه درباره گرفتن عهد خداوند از آگاهان درباره سکوت نکردن در برابر شکم بارگی ستمگران و گرسنگی مظلومان و مناجات امیرالمؤمنین (ع) مبنی بر رعایت مساوات و رسیدگی دقیق به بیت المال در صفحه ۶۱ و دو پرسش از فرمایش علی (ع) در صفحه ۶۴ به همراه روایت امام صادق (ع) از ساده زیستی پیامبر اکرم در صفحه ۵۳.



اطلاعات جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که در کتاب درسی تفکر و پژوهش پایه ششم نشانی از پرداختن به آسیب‌های الگوی مصرف ملاحظه نمی‌شود. تحلیل کتاب درسی تفکر و سبک زندگی پژوهش (در پایه هفتم) نشان داد که تنها در قالب یک عبارت به «مؤلفه مصرف توأم با اتلاف و اسراف» اشاره شده است. در ضمن برای همگی صفحات کتاب‌های تفکر و پژوهش پایه ششم و تفکر و سبک زندگی پایه هفتم، ضریب اهمیت مؤلفه «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» صفر است.

جدول ۵- توزیع فراوانی و بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیب‌های الگوی مصرف

اندازه ضریب		کار و فناوری			مؤلفه
اهمیت	بار اطلاعاتی	جمع	کتاب سال هفتم	کتاب سال ششم	
۰	۰	۱	۱	۰	مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید
۰	۰	۱	۱	۰	مصرف توأم با اتلاف و اسراف
۰	۰	۰	۰	۰	مصرف ناعادلانه
۰	۰	۰	۰	۰	اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید
۰	۰	۰	۰	۰	بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب
۰	۰	۰	۰	۰	رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی
۰	۰	۰	۰	۰	اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی
۰	۰	۲	۲	۰	جمع

اطلاعات جدول شماره ۵ نشان می‌دهد که در همگی صفحات کتاب‌های کار و فناوری پایه ششم، عبارتی که به آسیب‌های الگوی مصرف اشاره داشته باشد، مشاهده نشد و لذا ضریب اهمیت صفر است. در پایه هفتم تنها به مؤلفه‌های «مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید» و «مصرف توأم با اتلاف و اسراف»، در قالب دو عبارت اشاره شده است. تحلیل محتوای همگی صفحات کتاب‌های فارسی پایه‌های ششم و هفتم نشان داد که در آنها عبارتی درباره آسیب‌های الگوی مصرف موجود نیست.



۲- وضعیت آسیب‌های الگوی تولید در کتاب‌های درسی برگزیده پایه‌های ششم و هفتم

در این قسمت بازتاب آسیب‌های الگوی تولید در محتوای کتاب‌های درسی منتخب، به ترتیب پایه‌های ششم و هفتم تحلیل می‌شود.

جدول ۶- توزیع فراوانی عبارات (متن، پرسش یا تصویر) مرتبط با مؤلفه‌های «آسیب‌های الگوی تولید» در کتاب‌های درسی پایه ششم

کتاب‌های درسی						عنوان مؤلفه
هدیه‌های آسمان	کار و فناوری	فارسی	علوم تجربی	تفکر و پژوهش	مطالعات اجتماعی	
-	-	-	-	-	-	سطح نسبتاً پایین رشد تولید
-	-	-	-	-	-	پرنوسانی رشد تولید
-	-	-	-	-	۱	بهره‌وری پایین
-	-	-	-	-	-	فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید
-	-	-	-	-	-	وابستگی تولید به واردات
-	-	-	-	-	-	بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید
-	-	-	-	-	-	وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز
-	-	-	-	-	-	فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی شدن تراز پرداخت‌های غیرنفتی
-	-	-	-	-	-	قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات
-	-	-	-	-	۱	جمع

در پایه ششم از مجموع ۹ مؤلفه «آسیب‌های الگوی تولید»، تنها ۱ عبارت^۱ در کتاب مطالعات اجتماعی که مرتبط با مؤلفه «بهره‌وری پایین» است، ملاحظه شد.

جدول ۷- توزیع فراوانی عبارات (متن، پرسش یا تصویر) مرتبط با مؤلفه‌های «آسیب‌های الگوی تولید» در کتاب‌های درسی پایه هفتم

کتاب‌های درسی						عنوان مؤلفه
هدیه‌های آسمان	کار و فناوری	فارسی	علوم تجربی	تفکر و سبک زندگی	مطالعات اجتماعی	
-	-	-	-	-	-	سطح نسبتاً پایین رشد تولید
-	-	-	-	-	-	پرنوسانی رشد تولید

۱ در صفحه ۶ از کاربرگه‌ها (کاربرگه ۵)، در قالب اخبار روزنامه‌ها به هجوم آفت سن در مزارع کرمان و بارش تگرگ در اردبیل که به محصول کشاورزان و درختان میوه خسارت وارد کرده، اشاره شده است.



کتاب‌های درسی						عنوان مؤلفه
هدیه‌های آسمان	کار و فناوری	فارسی	علوم تجربی	تفکر و سبک زندگی	مطالعات اجتماعی	
-	-	-	-	-	-	بهره‌وری پایین
-	-	-	-	-	-	فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید
-	-	-	-	-	-	وابستگی تولید به واردات
-	-	-	-	۱	-	بی تناسبی رشد واردات با رشد تولید
-	-	-	-	-	-	وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز
-	-	-	-	-	-	فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی شدن تراز پرداخت‌های غیرنفتی
-	-	-	-	-	-	قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات
-	-	-	-	۱	-	جمع

اطلاعات جدول شماره ۷ نشان داد که از مؤلفه‌های نه گانه آسیب‌های الگوی تولید، تنها یک عبارت (در قالب یک پرسش) به مؤلفه «بی تناسبی رشد واردات با رشد تولید» در کتاب تفکر و سبک زندگی پایه هفتم اختصاص یافته است!

در هیچ یک از قالب‌های سه گانه متن، فعالیت‌ها-پرسش‌ها و تصاویر کتاب‌های درسی پایه هفتم به مؤلفه‌های «سطح نسبتاً پایین رشد تولید»، «پرنوسانی رشد تولید»، «بهره‌وری پایین»، «فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید»، «وابستگی تولید به واردات»، «وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز»، «فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی شدن تراز پرداخت‌های غیرنفتی فعلی تولید و واردات» و «قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات»، اشاره‌ای نشده است.

بنابراین می‌توان اظهار کرد که متون مرتبط با «آسیب‌های الگوی تولید»، کمترین انطباق را با محتوای ارائه شده در کتاب‌های درسی منتخب داشتند.

۱ در صفحه ۷۲، سؤال شده است که آیا پاسخ به پرسش «از نظر مردم واردات محصولات مصرفی چه نقشی در کاهش یا افزایش رشد تولید ملی دارد؟» با نظرسنجی به دست می‌آید؟



جدول ۸- توزیع فراوانی و بار اطلاعاتی و ضریب اهمیت عبارات مرتبط با آسیب‌های الگوی تولید

مؤلفه	مطالعات اجتماعی			تفکر و سبک زندگی			اندازه ضریب	
	سال ششم	سال هفتم	جمع	سال ششم	سال هفتم	جمع	بار اطلاعاتی	اهمیت
سطح نسبتاً پایین رشد تولید
پرنوسانی رشد تولید
بهره‌وری پایین	۱	۱	.	.
فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید
وابستگی تولید به واردات
بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید	۱	.
وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز
فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی شدن تراز پرداخت‌های غیرنفتی
قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات
جمع	۱	۰	۱	۰	۰	۱	۱	۰

اطلاعات جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که در همگی صفحات کتاب‌های مطالعات اجتماعی و تفکر و پژوهش (سبک زندگی) پایه‌های ششم و هفتم، اندازه ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت برای مقوله‌های «بهره‌وری پایین» و «بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید» برابر با صفر است.

نتیجه‌گیری

اصلاح الگوهای مصرف و تولید مستلزم تغییر در نگرش‌ها، باورها و به‌طور کلی فرهنگ عمومی است و آموزش و پرورش نقش اساسی در توسعه دانش، انتقال ارزش‌ها و اصلاح رفتارهای مربوطه دارد. در این راستا مهم‌ترین ابزار انتقال آموزه‌ها کتاب‌های درسی هستند که برای بررسی چگونگی ارائه مفاهیم مرتبط با الگوهای تولید و مصرف، در این مقاله مورد مطالعه قرار گرفتند. کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی، هدیه‌های آسمانی، فارسی، کار و فناوری، تفکر و پژوهش و فرهنگ و هنر پایه‌های ششم و هفتم



به دلیل نزدیکی با موضوع مطالعه و تغییر محتوا بر مبنای اسناد تحول بنیادین و برنامه درسی ملی در سال‌های اخیر انتخاب شدند.

در ادامه با بهره‌گیری از یافته‌های گزارش کمیسیون اصلاح الگوی مصرف دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی، مجموعه مؤلفه‌ها برای تحلیل محتوا تعیین و پس از آن محتوای کتاب‌های یاد شده با استفاده از روش آنتروپی شانون تحلیل شدند.

یافته‌ها نشان دادند که در پایه ششم از مجموع هفت مؤلفه «آسیب‌های الگوی مصرف»، به سه مؤلفه «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید»، «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» و «رعایت نشدن عدالت بین نسلی در مصرف منابع عمومی» اشاره شده و در برابر، به چهار مؤلفه «بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب»، «اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی»، «مصرف ناعادلانه» و «مصرف با رشدی سریع‌تر از تولید» توجه نشده است.

نکته قابل توجه عدم استفاده از ظرفیت کتاب‌های هدیه‌های آسمانی، فارسی، تفکر و پژوهش و کار و فناوری با وجود ظرفیت چشمگیر آنها برای انعکاس آموزه‌های مرتبط با موضوع اصلاح الگوی مصرف است.

در پایه هفتم از مجموع ۷ مؤلفه آسیب‌های الگوی مصرف، به ۵ مؤلفه در قالب ۵ کتاب از مجموع ۷ کتاب اشاره شده و در برابر به دو مؤلفه «بهره‌وری پایین و با رشد نامناسب» و «اتلاف منابع عمومی در برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های عمرانی» پرداخته نشده است.

در پایه هفتم از ظرفیت کتاب‌های فارسی و فرهنگ و هنر برای پرداختن به موضوع اصلاح الگوی مصرف استفاده نشده است.

ضرایب بار اطلاعاتی و اهمیت به دلایلی از قبیل نبود فراوانی، تنها برای برخی از مؤلفه‌ها و برخی کتاب‌های مورد بررسی قابل برآورد است. در کتاب‌های مطالعات اجتماعی پایه‌های ششم و هفتم بیشترین ضریب اهمیت به «مصرف توأم با اتلاف و اسراف» و کمترین به «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید» اختصاص دارد.

در کتاب‌های علوم تجربی پایه‌های ششم و هفتم تنها ضریب اهمیت مربوط به مؤلفه «اتلاف منابع طبیعی و عوامل تولید» با اندازه ۱ قابل برآورد بوده و برای دیگر مقوله‌ها برابر با صفر است.

در کتاب‌های هدیه‌های آسمانی پایه‌های ششم و هفتم ضریب اهمیت مقوله مصرف «توأم با اتلاف و اسراف» برابر با ۱ و برای دیگر مقوله‌ها صفر است.

همچنین در همگی صفحات کتاب کار و فناوری پایه ششم، عبارتی که به آسیب‌های الگوی مصرف اشاره داشته باشد، مشاهده نشد و لذا ضریب اهمیت صفر است.



در پایه ششم از مجموع ۹ مؤلفه «آسیب‌های الگوی تولید»، تنها به مؤلفه بهره‌وری پایین (در قالب یک عبارت و یک درس از کتاب مطالعات اجتماعی) اشاره شده است. در پایه هفتم نیز از مجموع ۹ مؤلفه مربوط به «آسیب‌های الگوی تولید»، تنها به مؤلفه «بی‌تناسبی رشد واردات با رشد تولید» (در قالب یک پرسش در کتاب تفکر و سبک زندگی) اشاره شده است.

در این پایه به مؤلفه‌های «سطح نسبتاً پایین رشد تولید»، «پرنوسانی رشد تولید»، «بهره‌وری پایین»، «فزونی رشد مصرف خانوار و دولت از رشد تولید»، «وابستگی تولید به واردات»، «وابستگی واردات به درآمدهای نفت و گاز»، «فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و منفی شدن تراز پرداخت‌های غیرنفتی فعلی تولید و واردات» و «قابل تداوم نبودن الگوی فعلی تولید و واردات» اشاره‌ای نشده است.

بنابراین می‌توان اظهار کرد که متون مرتبط با «آسیب‌های الگوی تولید»، سازگاری اندکی با محتوای کتاب‌های درسی منتخب داشته که البته سهم الگوی تولید در مقایسه با الگوی مصرف بسیار کمتر است.

به طور کلی، نتایج این مطالعه بر دو نکته عمده دلالت دارند؛ نخست اهمیت و جایگاه موضوع اصلاح الگوهای مصرف و تولید است که پرداختن فزون‌تر در کتاب‌های درسی را می‌طلبد. نکته مهم‌تر از اندازه مطالب، چگونگی پرداختن به موضوع از جنبه پوشش آسیب‌های مربوطه و پرداختن به همگی ابعاد با رویکرد استدلالی و تبیین پیامدهاست. به نظر می‌رسد که تبیین چگونگی تحقق پدیده رشد سریع‌تر مصرف از تولید، تشریح ساز و کارهای مربوطه و تحلیل پیامدهای تداوم آن در آینده به مراتب کارسازتر از تکرار چندباره نامطلوب بودن وضعیت الگوی مصرف در کشور است.

دسترسی و چیرگی بیشتر برنامه‌ریزان کتاب‌های درسی نسبت به مبانی نظری و اطلاعات دقیق و کافی پیرامون ابعاد موضوع و نتایج پژوهش‌های مرتبط به همراه بهره‌مندی از تخصص‌های مختلف می‌تواند از پرداخت غیر مؤثر به موضوع، تکرار بی‌هوده مطالب بعضاً غیرمستدل و حتی ناسازگار با واقعیت جلوگیری کند. برای نمونه، موضوع اسراف در شرایطی بیشترین فراوانی از عبارات مرتبط با الگوی مصرف را در کتاب‌های درسی به خود اختصاص داده است که مذموم بودن آن نزد اکثریت مردم، امری کاملاً روشن و بدیهی می‌نماید اما مفهوم عملیاتی و مصادیق آن مبهم و به نوع نگرش و سطح دانش و چگونگی رفتار افراد بستگی دارد. کمبود دانش مصرفی می‌تواند از توفیق مطلوب سیاست‌های معطوف به اصلاح الگوی مصرف و گسترش کاربرد راهبردهای مبتنی بر صیانت و کارایی در استفاده از منابع ممانعت کند و در چنین شرایطی تکرار نکوهیده بودن اسراف و تبذیر اگر بی‌فایده نباشد، کم‌فایده است.



تجربه جهانی، نشان از اهمیت برنامه‌های آموزشی به عنوان شیوه‌ای کم‌هزینه و با تأثیری بلندمدت برای صیانت از منابع دارد و به همین سبب آموزش نحوه و سبک مصرف به عنوان مبنایی برای صرفه‌جویی در مصرف، ابراز رفتاری کارا و ایجاد گرایش‌های اجتماعی هم‌راستا با توسعه کشور اهمیت دارد.

توسعه سواد مصرفی با مفهومی فراتر از دانش، تبیین معنای عدالت بین نسلی، پیامدهای سطح پایین بهره‌وری و رشد تولید، تبعات رشد سریع مصرف نسبت به تولید، عوارض تداوم وابستگی تولید به واردات وابسته به درآمدهای نفت و گاز، سرانجام فزونی واردات بر صادرات غیرنفتی و تداوم الگوی فعلی تولید و واردات، تقویت احساس مسئولیت، تشویق به ابراز حساسیت نسبت به اتلاف منابع عمومی و گرایش به عدالت در مصرف از مجموعه باورها، ارزش‌ها، رفتارها و اندیشه‌های پشتوانه توسعه کشور هستند که می‌توانند در کتاب‌های درسی مورد توجه فزون‌تری قرار بگیرند.

علاوه بر آگاهی از نتایج پژوهش‌های مرتبط، استفاده از مبانی نظری استواری مانند اندیشه توسعه پایدار می‌تواند کمک قابل توجهی به برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی کرده و پوشش نظری جامعی از مجموعه ارکان و عناصر مرتبط با اصلاح الگوهای مصرف و تولید را فراهم سازد. توسعه پایدار، ارزیابی همزمان تراز اجتماعی-اقتصادی را در کنار تراز سیستم‌های طبیعی خواستار می‌شود (خلعت‌بری، ۱۳۷۹: ۲۴).

پژوهش و نیازسنجی، نخستین مرحله از مراحل هشت‌گانه فرایند تولید برنامه درسی در دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی در کشور است که تدارک پشتوانه نظری و بهره‌گیری از یافته‌های پژوهشی، ناظر به همین مرحله است؛ بنابراین توجه بیشتر برنامه‌ریزان درسی به موضوع الگوهای مصرف و تولید به همراه مراجعه به اطلاعات متفن و مستند توصیه می‌شود.

مقاله حاضر به واسطه موضوع و نیز روش پژوهش، مقید به تحلیل ارزشیابی است که هدف از آن تحلیل کمی متن برای پی بردن به نوع گرایش و ارزش‌گذاری‌های تولیدکننده متن به اقتضای روش مطالعه بود اما پیشنهاد می‌شود که در پژوهش‌های آتی علاوه بر بررسی کمی، جهت و شدت بار ارزشی متن تعیین و تأثیر آن بر گیرنده پیام (دانش‌آموزان) سنجیده شود. همچنین شایسته است تا علاوه بر محتوای آشکار و معنای سطحی متن، تحلیل محتوای پنهان و لایه‌های عمیق‌تر معانی نهفته در متن و اسناد مورد توجه قرار بگیرد. البته بدیهی است که ضرورت دارد در انتخاب محتوا دقت شود و متن از شرایط مناسب از قبیل تناسب با سن و دوره تحصیلی و بر خور داری از ویژگی‌های زیبایی‌شناسی برخوردار باشد.



برنامه‌ریزان درسی باید دیدگاه‌های ملی و جهانی، آثار تصمیم‌گیری‌های فردی و اجتماعی، پیامدهای غیرمستقیم محیطی، روابط میان محیط‌زیست ملی و جهانی و ملاحظات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی مربوط به مصرف را در برنامه درسی بگنجانند. برنامه‌های درسی در زمینه مصرف باید در دسترس و عملیاتی، بر پایه تحقیق، تجربی، گیرا و برخوردار از توانایی حل مشکلات ملی بوده و آموزه‌هایی مشخص را به دانش‌آموز ارائه کنند تا بتواند در زندگی خود و خانواده‌اش به کار بگیرد. برنامه درسی باید پروژه‌های مرتبط، مطالعات موردی و تمرین تصمیم‌گیری را شامل شود و بر راهبردهای کاربردی مؤثر بر ایجاد تغییر در ارزش‌ها، باورها و دیدگاه‌های دانش‌آموزان تأکید کند.

همچنین نسل آتی استانداردهای آموزش‌های معطوف به اصلاح الگوهای مصرف و تولید باید معیارهایی را در بر گیرند که نه تنها دانش مصرف بلکه درک اهمیت دانش عملی مصرف، مهارت‌های تصمیم‌گیری، قضاوت‌های ارزشی، اخلاقی و ابعاد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری در زمینه مصرف را نیز در بر گیرد؛ بنابراین تأکید می‌شود که به برنامه‌های آموزشی پیشرفته در زمینه مصرف نیاز وجود دارد تا در نظام آموزش عمومی پیاده شوند و عناوین موضوعی گسترده‌تری را در زمینه مصرف و مرتبط با رویدادهای اخیر (از قبیل پیامدهای ناشی از افزایش تحریم‌ها و کاهش قیمت نفت بر مصرف) و ابعاد عملی همچون چگونگی مصرف روزمره را پوشش دهد. در چنین شرایطی است که می‌توان به تحقق سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش مبنی بر ارتقای جایگاه آموزش و پرورش به مثابه مهم‌ترین نهاد مولد سرمایه اجتماعی و تربیت انسان‌های مسؤولیت‌پذیر، قانون‌گرا، عدالت‌خواه، خردورز، جمع‌گرا، خودباور و ایثارگر نزدیک‌تر شد.

بدیهی است که مشارکت^۱ و پیگیری کردن پیاده‌سازی سیاست‌های الگوی مصرف به عنوان جزئی از مجموعه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش کشور بر عهده مجموعه نهادهای اجتماعی مسئول در کشور و از آن جمله بسیج^۲ است.

۱. فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی افزود: در شرایط فعلی بسیج ظرفیت عظیمی را در عرصه‌های مختلف اقتصادی به خصوص در اقتصاد مقاومتی دارد که می‌تواند در فرهنگ‌سازی در زمینه اقتصاد مقاومتی و مردمی کردن اقتصاد نقش اساسی را ایفا کند. (آفتاب: ۸ فروردین ۱۳۹۳)

۲. بسیج یک نهاد اجتماعی است (سپاه از دید قانون ۱۳۶۲)



منابع

۱. ادیب، یوسف (۱۳۸۲)؛ طراحی الگوی مطلوب برنامه درسی مهارت‌های زندگی برای دوره راهنمایی تحصیلی، پایان‌نامه دکتری دانشگاه تربیت مدرس
۲. آذر، عادل (۱۳۸۰)؛ بسط و توسعه روش آنتروپی شانون برای پردازش داده‌ها در تحلیل محتوا، فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا
۳. آلکین، ام. اس (۱۳۸۷)؛ الگوهای ارزشیابی برنامه درسی، ترجمه کورش فتحی واجارگاه، در: مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷) برنامه درسی نظرگاه‌ها، رویکردها و چشم‌اندازها، تهران، سمت
۴. افخمی، حسین (۱۳۸۹)؛ صرفه‌جویی آب در کتاب‌های درسی مدارس، علوم اجتماعی، جهانی رسانه، شماره ۶، بهار ۱۳۸۹
۵. خلعت‌بری، فیروزه (۱۳۷۹)؛ بهره‌برداری از منابع نفتی در راستای توسعه پایدار، فصلنامه تأمین اجتماعی، سال دوم، شماره سوم پاییز ۱۳۷۹
۶. دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی (۱۳۸۱)؛ فرایند تولید و تهیه برنامه درسی، تهران، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
۷. ربیعی و محبی امینی (۱۳۸۸)؛ تحلیل محتوای کتاب‌های درسی دوره ابتدایی برحسب سازه الگوی مصرف (با تأکید بر آیات و روایات)، فصلنامه فرهنگی به دفاعی زنان و خانواده، سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان ۱۳۸۸
۸. ساروخانی، باقر (۱۳۷۸)؛ روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد اول، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
۹. قلی‌پور، سمانه (۱۳۸۹)؛ بررسی و تبیین نقش و عملکرد نظام آموزش و پرورش، سمانه قلی‌پور، مجموعه مقالات همایش اصلاح الگوی مصرف، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۸۹
۱۰. کارتلج، چی؛ میلبرن، جی. اف (۱۳۷۲)؛ آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی
۱۱. کمیسیون اصلاح الگوی مصرف، الگوی مصرف در ایران، چالش‌های پیش روی برنامه پژوهشی، نگرش اقتصادی، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، آذر ۱۳۸۹، منتشر نشده
۱۲. محمد رضائی، رسول (۱۳۸۸)؛ الگوی صحیح مصرف، قابل دسترسی در: www.farsnews.com/newstext.Php?nnl=
۱۳. ملک محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۸۱)؛ برلبه پرتگاه مصرف‌گرایی: بررسی روند رشد مصرف‌گرایی و تغییر الگوی مصرف در دوران پهلوی دوم، نشر مرکز اسناد انقلاب اسلامی
۱۴. منکیو، گریگوری، مبانی اقتصاد، ترجمه منوچهر عسگری، نشر کوهسار، چاپ دوم، ۱۳۸۷



۱۵. موسائی، میثم (۱۳۸۸)؛ نقش فرهنگ بر الگوی مصرف، فصلنامه اقتصاد اسلامی، شماره ۳۴، تابستان ۱۳۸۸
۱۶. هولستی، ال.ار (۱۳۸۰)؛ تحلیل محتوا در علوم اجتماعی و انسانی، ترجمه نادر سالارزاده امیری، تهران، دانشگاه علامه طباطبایی
۱۷. یاسائی، مسعود (۱۳۶۲)؛ سپاه از دید قانون، وزارت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفتر حقوقی و امور مجلس

18. Altbach. P.g. (1995). Textbook, **In the International Encyclopedia of Education**, Vol. editorschif torstohusen, t. Neville postleth waite
19. DeWaters, J. E., Powers, S. E. (2007). **Developing an energy literacy scale**, In: Proceedings of the 114th Annual ASEE Conference & Exposition, Honolulu, HI, June 23-28, 2007, paper number AC 2007-1069
20. Dias et al (2004). **energy education: breaking up the rational energy use barriers**, energy policy 32(11)
۲۱. Obery, A. A. (1991). **Curriculum decisions**. The international encyclopedia of curriculum. New York: Pergamon, press
22. Sovacool, b. (2009). **The cultural barriers to renewable energy and energy efficiency in the united states**. technology in society 31
23. Zografakis, N., et al, (2008). **Effective education for energy efficiency**. energy policy 36